

Analysis of the Comparative Advantage of Economic Sectors in Sistan and Baluchestan Province with Emphasis on the General Land Use Policies



Mojtaba Abbasiyan¹, * Hossein Amiri², Mahmood Safdarinahad³

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management and Humanities, Chabahar Maritime University (CMU), Chabahar, Iran

2. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Master of Public Administration, Faculty of Economics and Management, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Abbasiyan, M., Amiri, H., & Safdarinahad, M., (2024). [Analysis of the Comparative Advantage of Economic Sectors in Sistan and Baluchestan Province with Emphasis on the General Land Use Policies]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 12(1), 88-103. <https://doi.org/10.30507/jmsp.2023.356872.2474>

<https://doi.org/10.30507/jmsp.2023.356872.2474>



20.1001.1.23452544.1403.12.45.4.5



Funding: See Page 88

Received: 2023/02/08

Accepted: 2023/04/21

Available Online: 2024/03/20

Article Type: Research paper

Keywords:

The value of the economic sectors, revealed comparative advantage, regional planning, Sistan and Baluchestan.

Abstract

Considering the significant role of regional planning in economic development programs—particularly within the framework of Iran’s general land use policies and the need to decentralize economic activities across diverse regions—it is essential to identify the unique capabilities of each region. Comparative advantage theory plays a crucial role in assessing the potential and strengths of regions to support regional planning objectives. This study focuses on analyzing the comparative advantages of economic sectors in Sistan and Baluchestan province, applying Balassa’s enhanced comparative advantage index for 2021. Employing a descriptive-analytical method based on documentary research, the findings reveal that the education sector, with a comparative advantage index of 2.49 percent, ranks highest among major economic sectors, followed closely by agriculture, hunting, forestry, and fishing at 2.33 percent. These findings highlight opportunities for national and regional policymakers to strategically promote production and employment in the province by leveraging these sectoral advantages.

JEL Classification: P11, O1, L52.

* Corresponding Author:

Hossein Amiri, PhD

Address: Kharazmi University, Tehran


Tel: +98(912)4396993

Email: h.amiri@khu.ac.ir

بررسی مزیت نسبی بخش‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان با تأکید بر سیاست‌های کلی آمایش سرزمین

مجتبی عباسیان^۱، * حسین امیری^۲، محمود صفدری نهاد^۳

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، چابهار، ایران
۲. دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۳. کارشناسی ارشد، رشته مدیریت دولتی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

 20.1001.1.23452544.1403.12.45.4.5

چیکید

تاریخ دریافت: ۱۹ بهمن ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۱ فروردین ۱۴۰۳

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه اقتصادی، به‌ویژه سیاست‌های کلی آمایش سرزمین، و ضرورت تمرکززدایی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مختلف، شناسایی قابلیت‌های مناطق مختلف کشور در این خصوص ضروری است. برای شناخت توانمندی‌ها و استعداد‌های مناطق در راستای اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای، نظریه مزیت نسبی اهمیت بسیاری دارد. هدف از پژوهش حاضر این است که با استفاده از شاخص مزیت نسبی تکامل یافته بالاسا (۱۹۶۵)، مزیت‌های نسبی فعالیت‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان بر مبنای اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰ شناسایی و بررسی شود. روش این تحقیق تحلیلی - توصیفی مبتنی بر مطالعه اسنادی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بخش آموزش با ۲/۴۹ درصد، بالاترین مزیت نسبی را بین بخش‌های عمده اقتصادی داراست و جایگاه دوم از لحاظ مزیت نسبی مربوط به بخش کشاورزی، شکار و جنگلداری، و ماهیگیری با ۲/۳۳ درصد است. بنابراین برنامه‌ریزان سیاست‌مداران باید با عنایت به این مزیت‌ها، در جهت افزایش تولید و اشتغال در استان گام بردارند.

طبقه‌بندی JEL: P11، O1، L52.

کلیدواژه‌ها:

ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی، شاخص مزیت نسبی آشکار، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سیستان و بلوچستان.

* نویسنده مسئول:

دکتر حسین امیری

نشانی: تهران، دانشگاه خوارزمی

تلفن: +۹۸(۹۱۲)۴۳۹۶۹۹۳

پست الکترونیک: h.amiri@khu.ac.ir

۱. مقدمه

در مباحث رشد و توسعه همواره تأکید می‌شود سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی ضروری است. کمبود سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی در جهت افزایش درآمد و تقاضا، آثار نامطلوبی بر جای می‌گذارد. مادام که این سرمایه‌گذاری در سطوح پایین قرار دارد، درآمد کافی با هدف افزایش تقاضا و سطح پس‌انداز در جامعه به وجود نمی‌آید. بنابراین با توجه به اصل مکمل بودن تقاضا، سرمایه‌گذاری هم‌زمان در همه بخش‌ها موجب می‌شود فعالیت‌های جدید وابسته به یکدیگر به وجود بیاید که هر یک می‌تواند تأمین‌کننده عوامل تولید و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز سایر فعالیت‌ها باشد و هر بخش نیز تقاضای خود را از کالاهای تولیدی دیگر افزایش و هزینه‌های تولید و داده‌های خود را کاهش دهد.

با نگرش به محدودیت منابع سرمایه، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه، تأکید بر سرمایه‌گذاری و پرداختن به فعالیت‌های کلیدی و پیش‌تاز اهمیت زیادی دارد. با توجه به فعالیت‌هایی که اولویت بیشتری دارند، ضمن سود جستن از برخی صرفه‌ها، می‌توان نیازهای داخلی را برطرف کرد و زمینه حضور و رقابت در بازارهای جهانی را فراهم آورد. یکی از اصلی‌ترین نیازهای جامعه در شرایط فعلی، تحول در ساختار اقتصادی در جهت شناسایی موقعیت‌های شغلی جدید است که خود مستلزم شناخت فرصت‌های سرمایه‌گذاری است (عالی‌منش، مسعودنیا و باوفا، ۱۳۹۵، ص. ۱۲). یافتن مزیت‌های نسبی در فعالیت‌های اقتصادی، گامی مهم در جهت اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف و در نتیجه افزایش تقاضا و درآمد به شمار می‌آید. از این رو برای دستیابی به وضعیت مطلوب می‌توان از مزیت نسبی در فعالیت‌های اقتصادی بهره گرفت. شناسایی و طبقه‌بندی مزیت نسبی در عرصه اقتصادی به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در قطب‌های دارای مزیت کمک خواهد کرد و به تدریج رفاه اقتصادی و اجتماعی را در مناطق دارای مزیت گسترش خواهد داد (ناظرمان و موحدمنش، ۱۳۹۰، ص. ۱۲).

رشد و توسعه اقتصادی مناطق کشور از مهم‌ترین مباحث اقتصاد منطقه‌ای در دهه‌های اخیر است؛ به طوری که بررسی رشد و توسعه مناطق یکی از اهداف مهم دولت‌های محلی تعیین شده است. از سیاست‌های کلی نظام در زمینه مزیت‌های نسبی منطقه‌ای می‌توان به سند کلی آمایش سرزمین اشاره کرد. در این سند تأکید شده است که جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین در راستای تبیین فضایی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و ترسیم الزامات تحقق آن در توسعه میان‌مدت و بلندمدت کشور و براساس اصول مصوب آمایش سرزمین، شامل ملاحظات امنیتی و دفاعی، کارایی و بازده اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، تعادل‌های منطقه‌ای و گسترش عدالت اجتماعی، احیای منابع طبیعی و حفاظت محیط‌زیست، تنظیم و تسهیل ارتباطات بیرونی و درونی اقتصاد کشور، و رفع محدودیت‌ها و محرومیت‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی کشور، تنظیم شود. همچنین در بند «ج» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین بر ارتقای کارایی و بازده اقتصادی

و تسهیل روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور از طریق هم‌افزایی مزیت‌های کشور، نوسازی بخش کشاورزی متناسب با منابع تولید و پهنه‌بندی اقلیمی، اصلاح و تکمیل زنجیره‌های تولید صنعتی، سازمان‌دهی بخش خدمات نوین و تولید کالا و خدمات دانش پایه تأکید شده است.

بررسی اقتصاد منطقه‌ای کشورهای مختلف نشان می‌دهد برخی مناطق عملکرد اقتصادی بهتری از مناطق دیگر دارند و در مقایسه با میانگین کشور دارای رشد اقتصادی بالاتری‌اند. این رشد فزاینده ناشی از ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت‌های نسبی در فعالیت‌های مختلف و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح است. بی‌توجهی به استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی موجب می‌شود سرمایه‌گذاران متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و به‌رغم اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای، همچنان روند توسعه‌نیافتگی مناطق ادامه یابد. بنابراین چنانچه عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی مناطق شناسایی و توانمندیها و تنگناهای آن مناطق به‌درستی درک شود، می‌توان زمینه ارتقای سطح سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مناطق و اتخاذ تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درست و مبتنی بر آگاهی را برای سیاست‌گذاران ملی و محلی فراهم کرد. واقعیت‌های موجود در ایران نشان می‌دهد در مناطق مختلف کشور نابرابری‌های زیادی در زمینه تولید وجود دارد که علت آن ناآگاهی از امکانات و استعدادهای مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی است (جعفری صمیمی و نقوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵).

تهیه و تدوین حساب منطقه‌ای در استان‌ها می‌تواند نقش کلیدی و کاربردی‌ای که این حساب در سطح ملی داراست، در منطقه داشته باشد. به عبارت دیگر حساب‌های منطقه‌ای در استان‌های کشور و محاسبه ارزش افزوده استان‌ها یکی از شاخص‌های اصلی تأمین نیازهای آماری در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصاد مناطق است؛ به‌گونه‌ای که تحقق اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای در گرو تعیین یافته‌ها و نمادهای این حساب‌هاست (کیانی و عبداللهی، ۱۳۹۵، ص. ۵).

به‌دلیل اهمیت موضوع، و با توجه به تخصیص بهینه منابع و امکانات در برنامه‌های توسعه اقتصادی، تعیین جایگاه بخش‌ها و فعالیت‌های کلیدی و پیشرو، توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌های مناطق و صورت‌نگرفتن پژوهشی علمی طی دهه گذشته، در این مقاله، براساس شاخص مزیت نسبی تکامل‌یافته بالاسا^۱ (1965)، روند مزیت نسبی استان سیستان و بلوچستان، به‌عنوان منطقه‌ای خاص با قابلیت‌های ویژه، در فعالیت‌های عمده اقتصادی در سال ۱۴۰۰ بررسی شده است. روش مزیت نسبی تکامل‌یافته بالاسا یکی از بهترین روش‌های نوین برای بیان مفهوم کاربردی مزیت نسبی است. روش مذکور تمام عوامل مؤثر در مزیت نسبی را در نظر می‌گیرد و نشان‌دهنده مزیت نسبی واقعی است. از این روش می‌توان برای تعیین مزیت نسبی فعالیت‌های اقتصادی یک استان در مقایسه با سایر استان‌های کشور استفاده کرد.

1. Ballasa

جنبه بارز و تازه این مطالعه اتخاذ رویکرد بخشی و زیربخشی با تمرکز بر تمام زیربخش‌های اقتصادی در ایران و استان سیستان و بلوچستان است. در پژوهش حاضر، از پایگاه‌های اطلاعاتی تفصیلی و همگن‌سازی در تطبیق بخش‌های جداول ملی و استانی استفاده شده است که در مطالعات پیشین مورد توجه قرار نگرفته بود. استفاده از این چارچوب آماری، دسترسی به اطلاعات بخشی در جزئی‌ترین سطح ممکن را فراهم می‌کند. تحقیق پیش‌رو با اتخاذ هریک از اقدامات فوق، به ارائه تصویری شفاف از جوانب تولیدی و شناسایی مزایای نسبی در سطح زیربخش‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان پرداخته است.

۲. پیشینه تحقیق

درویشی و عسگری (۱۳۸۵) به جهت‌گیری مزیت نسبی برخی کشورهای تازه‌صنعتی شده جنوب شرقی آسیا (NICs) و مقایسه آن با ایران پرداختند و دریافتند که عامل اصلی رشد اقتصادی کشورهای تازه‌صنعتی شده، صنعت و خلق مزیت نسبی در این زمینه است. همچنین نتایج مزیت نسبی برای ایران نشان داد بخش کشاورزی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است.

صادقی‌شاهدانی و غفاری‌فرد (۱۳۸۸) به بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری تولید ناخالص داخلی در استان‌های ایران با استفاده از روش انتقال - سهم و شاخص ضریب مکانی پرداختند. نتایج نشان داد بیشتر استان‌ها اثر سهم منطقه‌ای مثبتی در بخش کشاورزی دارند و این موضوع بیان‌کننده مزیت نسبی مناطق در این بخش است. در بخش خدمات، استان‌های بوشهر، تهران، خوزستان، سمنان، فارس، مرکزی، هرمزگان و همدان ساختار صنعتی و منطقه‌ای مثبت دارند و به این دلیل که اثر انتقال کل آن‌ها بیش از اثر ملی مربوط است، فعالیت‌های خدماتی در استان‌های مذکور از بیشترین امکانات و فرصت‌ها جهت خلق ارزش افزوده برخوردار است و محرک‌های رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

رنجبر فلاح و رنجبر پیغان (۱۳۹۰) با شناسایی مزیت‌های نسبی استان قزوین در بخش صنعت با استفاده از شاخص LQ به این نتیجه رسیدند که استان قزوین در بخش صنعت در زیربخش‌هایی همچون تولید تجهیزات حمل‌ونقل، ساخت ابزار کانی و چند زیربخش دیگر مزیت نسبتاً زیادی دارد که می‌توان با سرمایه‌گذاری در این زیربخش‌ها، هم به اشتغال در منطقه کمک کرد و هم با ایجاد صادرات در این زیربخش‌ها به تراز تجاری کشور افزود.

جعفری صمیمی، زری‌باف و امیرپور عاشوری (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های بخش هتل و رستوران در استان مازندران در طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ در مقایسه با سایر استان‌های کشور از مزیت نسبی برخوردار است؛ اما رتبه مازندران در سال‌های مختلف یکسان نبوده است. نتایج بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین شاخص مزیت نسبی ارزش افزوده بخش هتل و رستوران و رشد اقتصادی در استان‌های کشور است.

نقیسی مقدم و خداوردیزاده (۱۳۹۵) با شناسایی مزیت‌های نسبی در بخش‌های اقتصادی استان‌های غربی با استفاده از شاخص ضریب مکانی به این نتیجه رسیدند در کلیه استان‌های غربی، بخش کشاورزی با ضریب مکانی بزرگتر از یک به عنوان بخش پایه‌ای استان محسوب می‌شود و استان‌های فوق در بخش کشاورزی دارای مزیت نسبی هستند.

حسن‌وند و شادابفر (۱۳۹۹) به بررسی مزیت‌های نسبی بخش‌های اقتصادی استان لرستان در مقایسه با کل کشور پرداختند. طبق یافته‌های این مقاله، بالاترین سهم ارزش افزوده در استان لرستان مربوط به بخش‌های خدمات با سهم ۶۳ درصد و سپس کشاورزی با سهم ۲۰/۵ درصد است. بخش کشاورزی با شاخص مزیت نسبی ۲/۱ بیشترین (رتبه نهم کشور) و بخش نفت خام و گاز طبیعی با شاخص ۰/۲۹ (رتبه پنجم کشور) کمترین مزیت نسبی را در بین بخش‌ها دارد. بالاترین مزیت نسبی بخش‌ها در بین استان‌ها در بخش کشاورزی مربوط به خراسان جنوبی، در بخش نفت خام و گاز طبیعی کهگیلویه و بویراحمد، در بخش معدن کرمان، در بخش صنعت مرکزی، در بخش انرژی و ساختمان بوشهر و در بخش خدمات تهران است. از نظر بهره‌وری، بالاترین میزان بهره‌وری در استان لرستان مربوط به بخش صنعت است. در بین سایر استان‌ها بالاترین میزان بهره‌وری در بخش کشاورزی مربوط به استان خوزستان، در بخش نفت خام و گاز طبیعی لرستان، در بخش معدن خراسان جنوبی، در بخش صنعت کهگیلویه و بویراحمد، در بخش انرژی و ساختمان بوشهر و در بخش خدمات استان یزد است.

لی و مک‌کیبن^۲ (2018) به بررسی رشد بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات در قالب مدل تعادل عمومی پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از این است که رشد بهره‌وری در بخش خدمات در کشورهای آسیایی در نهایت به همه بخش‌ها منجر می‌شود و به رشد پایدار و متعادل این کشورها کمک می‌کند؛ اما تعدیل پویایی در بین اقتصادها متفاوت است. این تعدیل به ترکیب بخشی هر اقتصاد، شدت سرمایه هر بخش و باز بودن هر بخش به تجارت بین‌المللی بستگی دارد. همچنین در طول دوره تعدیل رشد بهره‌وری بخش خدمات، گسترش چشمگیری در بخش تولید به وجود می‌آید که نیازمند ارائه سهام سرمایه‌ای است.

امریک^۳ (2018) بهره‌وری بخش کشاورزی و توزیع مجدد نیروی کار در بخش روستایی هند را بررسی کرد و دریافت که با افزایش تولید محصولات کشاورزی، بخش غیرقابل تجارت گسترش می‌یابد. افزایش تولیدات کشاورزی باعث افزایش تقاضا برای بخش غیرقابل تجارت محلی می‌شود که خود به افزایش سهم نیروی کار غیرکشاورزی می‌انجامد.

لیو و وو^۴ (2019) با استفاده از مدل تعادل عمومی پویای تصادفی بی‌زین، به بررسی بهره‌وری

2. Lee & McKibbin
3. Emerick
4. Liu & Wu

بخش گردشگری و رشد اقتصادی در اسپانیا پرداختند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده تأثیر بهره‌وری گردشگری بر رشد اقتصادی و همچنین افزایش رشد اقتصادی سایر بخش‌ها ناشی از سرریز گردشگری است.

به‌طور خلاصه وجود مزیت نسبی در گذشته عمدتاً مزیت در فراوانی نسبی منابع خاص که در تولید یک یا چند محصول شدت بیشتری دارد، تعبیر می‌شد؛ اما امروزه مصادیق مزیت نسبی مفاهیم پیچیده‌تری دارد و به توانایی‌های تکنولوژیک، سازمان تولید و مدیریت و انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی و عملکرد نیز مرتبط است.

ارزیابی مزیت نسبی فعالیت‌های اقتصادی یکی از الزامات برنامه‌ریزی اقتصادی است. برای اندازه‌گیری مزیت نسبی شاخص‌های مختلفی ارائه شده است؛ لذا به منظور تعیین زمینه مزیت نسبی بخش‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان از شاخص مزیت نسبی بالاسا استفاده شده است.

۳. چارچوب نظری

آدام اسمیت^۵ (۱۹۷۳) در کتاب ثروت ملل ایده اصلی مزیت نسبی^۶ را که اقتصاددانان کلاسیک بیان کرده‌اند، مطرح می‌کند. هر ملتی می‌خواهد با اجرای اصل اساسی تقسیم کار، در تولیدی تخصص پیدا کند که به‌طور طبیعی استعداد بیشتری در آن دارد. اما **دیوید ریکاردو**^۷ (۱۹۵۵) اولین کسی بود که ضمن انتقاد از مزیت مطلق^۸ که به معنای داشتن کیفیت بالاتر، هزینه پایین‌تر، یا هر دو در مقایسه با دیگران است، نظریه‌اش را در خصوص اهمیت مزیت نسبی ارائه کرد. وی ثابت کرد هر کشور در تولید کالاهایی که در آن‌ها بالاترین مزیت نسبی را دارد، باید تخصص کسب کند. به بیان دیگر هر استان در عرصه‌ای مزیت نسبی می‌یابد که به‌طور طبیعی نهاده‌های تولیدی بیشتری در اختیار دارد (کیانی و عبداللهی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰).

نظریه سنتی مزیت نسبی که ابتدا از سوی ریکاردو بیان شد و سپس از سوی اقتصاددانانی مانند **هابرلر**^۹ (۱۹۶۴)، **هکشر و اوهلین**^{۱۰} (۱۹۹۱)، **ساموئلسون**^{۱۱} (۱۹۶۶)، **لئون تیف**^{۱۲} (۱۹۳۶) و دیگران پیگیری شد و تکامل یافت، به دیدگاه ایستای مزیت نسبی پرداخته که بیشتر طرف عرضه

-
5. Adam Smith
 6. Comparative Advantage
 7. David Ricardo
 8. absolute advantage
 9. Haberler
 10. Heckscher & Ohlin
 11. Samuelson
 12. Leontief

تولید را مدنظر قرار داده و بر نقش طبیعت یا تاریخ (که عوامل برون‌زای تولیدند) به‌عنوان عوامل تعیین‌کنندهٔ مزیت نسبی تأکید کرده است. بر طبق این دیدگاه، میزان برخورداری از عوامل تولید، یعنی منابع طبیعی،^{۱۳} نیروی کار، مدیریت، فناوری و سرمایه، عامل اساسی تعیین‌کنندهٔ مزیت نسبی کشور به‌شمار می‌آید و این کمترین تفاوتی است که میان کشورهای مختلف وجود دارد و شرط لازم برای تجارت متقابل سودمند میان آن‌هاست. حتی اگر تمام کشورها رجحانات (شرایط تقاضا) و فناوری (تابع تولید) یکسان داشته باشند و فاقد صرفه‌جویی ناشی از مقیاس در تولید باشند، تا زمانی که تفاوت‌های عوامل نسبی وجود دارد، تفاوت در قیمت‌ها و هزینه‌های نسبی نیز وجود خواهد داشت و در نتیجه تجارت براساس مزیت نسبی توجیه خواهد داشت. مزیت نسبی مفهومی ایستا و ابدی نیست، بلکه مفهومی پویاست که در طی زمان خلق شده و در حال تحول است. مزیت نسبی در طول زمان از طریق تکامل چرخهٔ زندگی محصول، تغییر در برخورداری از عوامل و دستیابی به بازده صعودی نسبت به مقیاس کسب می‌شود. براساس نظر طرفداران مزیت نسبی پویا، کشورها می‌توانند به‌صورت درون‌زا و با استفاده از فناوری و پیشرفت‌های فناوری و عوامل دیگر به خلق مزیت بپردازند (جعفری صمیمی و نقوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲).

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش، تحلیلی - توصیفی است و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، جزو پژوهش‌های کتابخانه‌ای است. حجم جامعهٔ آماری از فعالیت‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان تشکیل شده است. آمار و اطلاعات مورد نیاز از سالنامهٔ آماری و حساب‌های منطقه‌ای استان‌های کشور، منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، استخراج شده است.

روش اقتصاد پایه روشی برای بررسی تحلیلی اقتصاد محلی و منطقه‌ای است. روش‌های متعددی برای بررسی اقتصاد منطقه‌ای وجود دارد؛ از جمله پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی با استفاده از اقتصادسنجی، مدل‌سازی جدول داده - ستاندهٔ منطقه‌ای، و روش اقتصاد پایه که شامل تجزیه و تحلیل آماری داده‌های اقتصادی برای منطقه‌ای خاص است و برای افزایش تمرکز بر ساختار اقتصادی و گرایش‌های هر منطقه به کار می‌رود. فرض اساسی در اینجا آن است که اقتصاد منطقه‌ای هم‌زمان که جزئی از اقتصاد بزرگ‌تر (اقتصاد ملی) است، به‌منزلهٔ واحد مستقلی از آن نیز عمل می‌کند (آقامحمدی، حاجی، غفاری و غفاری‌آشتیانی، ۱۳۹۹، ص. ۴۱).

در این مقاله، شاخص مورد استفاده برای محاسبهٔ مزیت نسبی، شاخص مزیت نسبی آشکارشده^{۱۴} است که بالاسا (1965) ابداع کرده است. این شاخص روش اقتصاد پایه است که بر اهمیت صادرات در اقتصاد منطقه‌ای تمرکز می‌کند. در این چارچوب، صادرات شامل کالاهایی

13. factor endowments

14. Revealed Comparative Advantage (RCA)

هستند که درون منطقه تولید و در بیرون آن مصرف می‌شوند. مناطق اقتصادی از یک سو کالاها و خدمات تولیدی خود را صادر می‌کنند و از سوی دیگر کالاها و خدماتی را که تولید نمی‌کنند، وارد می‌کنند. صادرات درآمدی خارج از منطقه به دست می‌آورد و این درآمد برای رشد بلندمدت و توسعه منطقه‌ای اهمیت بسیاری دارد. لذا شاخص مزیت نسبی آشکارشده به منظور ارزیابی رشد و توسعه صادرات و واردات در اقتصاد منطقه‌ای به کار می‌رود (قاسملو، ذوالقدر و کارزونی، ۱۳۹۸، ص. ۹). این شاخص در منابع و تحقیقات مربوط به تجارت بین‌الملل، به شاخص تخصص تجارت و صادرات بالاسا معروف است. شاخص فوق به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$RCA_a^i = \frac{\frac{X_a^i}{Y^i}}{\frac{X_a^w}{Y^w}} \quad (1)$$

که در آن X_a^i ارزش صادرات کالای a (تولیدی یا غیرتولیدی) در کشور i ، X^i ارزش صادرات کل کشور i ، Y_a^w ارزش صادرات کالای a در جهان و Y^w ارزش صادرات کل جهان است. بنابراین در این شاخص، i معرف کشور مورد بررسی، a معرف کالای مورد بررسی و w بیانگر جهان است. به عبارت دیگر، شاخص مزیت نسبی آشکارشده از تقسیم سهم صادرات کالای X در صادرات کشور به سهم صادرات کالای فوق در کل صادرات جهان به دست می‌آید. با استفاده از این شاخص، می‌توان مزیت نسبی را برای همه کشورهای و تمام کالاهای تجاری محاسبه کرد. در این مورد، سه حالت پیش می‌آید:

- هنگامی که $RCA_a^i > 1$ است، وجود مزیت نسبی در صادرات کالای a برای کشور i تأیید می‌شود؛

- هنگامی که $RCA_a^i < 1$ است، وجود مزیت نسبی در صادرات کالای a برای کشور i رد می‌شود؛

- هنگامی که $RCA_a^i = 1$ است، بیانگر آن است که کشور i هیچ‌گونه مزیت نسبی یا عدم مزیت نسبی بر کشورهای دیگر جهان در صادرات کالای a ندارد (رحیم‌زاده، ۱۳۷۷، ص. ۵۸).

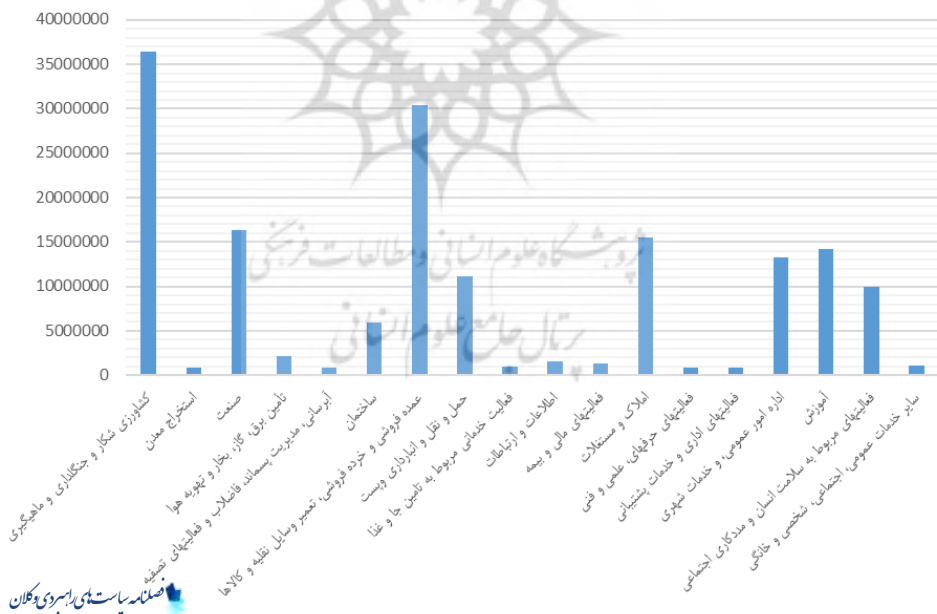
در این تحقیق، از شاخص مزیت نسبی آشکارشده برای بررسی وضعیت مزیت نسبی ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان استفاده شده است. برای این منظور، به جای صادرات، اطلاعات ارزش افزوده فعالیت‌های مختلف اقتصادی لحاظ شده است. علاوه بر این، به جای کشور، استان و به جای جهان، کشور لحاظ شده است. بر این اساس، شاخص مزیت نسبی آشکارشده ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$RCA = \frac{\frac{\text{ارزش افزوده بخش اقتصادی نام استان}}{\text{مجموع ارزش داخلی استان سیستان و بلوچستان}}}{\frac{\text{ارزش افزوده بخش اقتصادی نام کشور}}{\text{مجموع داخلی کشور}}} \quad (2)$$

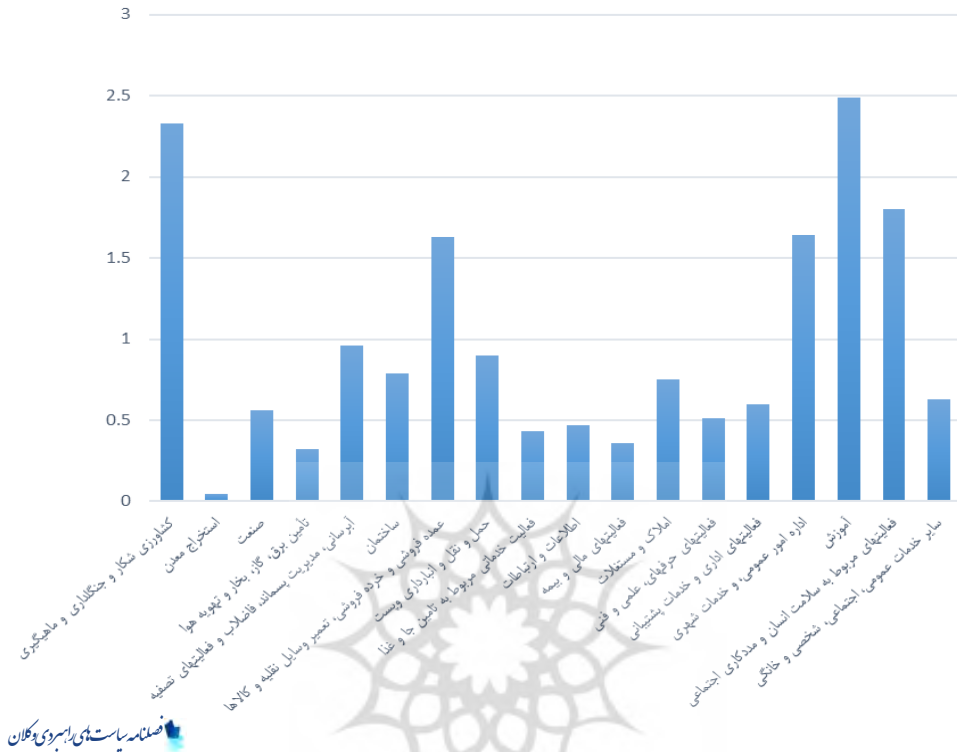
بنابراین با توجه به فرمول فوق، شاخص مزیت نسبی ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان محاسبه و وضعیت استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با کل کشور بررسی شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

در این قسمت، مزیت نسبی و سهم ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان تجزیه و تحلیل شده است. بخش‌های عمده اقتصادی به ۱۸ بخش تقسیم شده و این بخش‌ها نیز خود به حدود ۹۲ رشته فعالیت طبقه‌بندی شده‌اند که در مقاله حاضر مزیت نسبی همه بخش‌ها محاسبه و بررسی شده است. مقایسه سهم ارزش افزوده بخش‌های اصلی در شکل ۱ به تفصیل ارائه شده است. اطلاعات بیانگر این است که در سال ۱۴۰۰، بیشترین سهم ارزش افزوده سیستان و بلوچستان مربوط به کشاورزی، شکار و جنگلداری، و ماهیگیری است و پس از آن بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای قرار دارد. صنعت جایگاه سوم واقع شده و چهارمین رتبه متعلق به بخش املاک و مستغلات است. کمترین مبلغ ارزش افزوده استان مربوط به بخش فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی است.



شکل ۱. سهم ارزش افزوده فعالیت‌های عمده اقتصادی در محصول ناخالص داخلی استان سیستان و بلوچستان



شکل ۲. شاخص مزیت نسبی فعالیت‌های عمده اقتصادی استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۴۰۰

با توجه به اطلاعات مربوط به سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در محصول ناخالص داخلی استان سیستان و بلوچستان و کشور که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده و با توجه به الگوی معرفی شده در بخش قبلی، شاخص مزیت نسبی آشکار شده در استان سیستان و بلوچستان محاسبه و در **جدول ۱** بیان شده است. در این جدول، اطلاعاتی درباره بخش‌های اقتصادی مختلف و ارزش افزوده آن‌ها در کل کشور و استان سیستان و بلوچستان و نیز شاخص مزیت نسبی برای هر بخش آمده است. ارقام ستون «ارزش افزوده کل کشور» نشان‌دهنده مجموع ارزش افزوده تولیدات هر بخش در کل کشور است و ارقام ستون «ارزش افزوده استان» مجموع ارزش افزوده تولیدات هر بخش در استان سیستان و بلوچستان را نشان می‌دهد. شاخص مزیت نسبی هر بخش نمودار می‌زبان توانایی هر بخش در تولید و صادرات نسبت به بقیه بخش‌هاست. این شاخص برای بخش‌هایی که از نظر تولید و صادرات برتری نسبی بر سایر بخش‌ها دارند، بیشتر از ۱ است. اگر شاخص مزیت نسبی برابر با ۱ باشد، به این معناست که بخش مورد نظر با سایر بخش‌ها برابری دارد و هیچ برتری نسبی ندارد.

جدول ۱. شاخص مزیت نسبی فعالیت‌های عمده اقتصادی استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۴۰۰

بخش‌های عمده اقتصادی	ارزش افزوده کل کشور	ارزش افزوده استان	شاخص مزیت نسبی
کشاورزی، شکار و جنگلداری، و ماهیگیری	۱۱۷۸۶۳۹۵۱۹	۳۶۴۷۳۸۳۹	۲/۳۳
استخراج معدن	۱۴۲۰۹۵۵۷۰۴	۴۸۴۳۳۵	۰/۰۳
صنعت	۲۲۰۰۸۰۷۲۷۱	۱۶۳۴۴۲۷۴	۰/۵۶
تأمین برق، گاز، بخار و تهویه	۵۲۳۷۵۰۷۵۰	۲۱۹۶۸۶۵	۰/۳۲
آبرسانی، مدیریت پس‌ماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه	۴۱۲۹۴۴۶۰	۵۲۸۰۳۰	۰/۹۶
ساختمان	۵۵۹۹۴۲۴۶۷	۵۸۸۹۲۸۲	۰/۷۹
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای	۱۴۰۰۵۸۹۱۱۲	۳۰۳۵۷۲۳۹	۱/۶۳
حمل‌ونقل و انبارداری و پست	۹۳۲۰۰۵۱۱۹	۱۱۱۳۲۲۰۸	۰/۹۰
فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا	۱۷۹۵۱۰۸۷۵	۱۰۲۶۷۷۰	۰/۴۳
اطلاعات و ارتباطات	۲۵۷۸۳۰۸۵۰	۱۶۰۶۱۱۶	۰/۴۷
فعالیت‌های مالی و بیمه	۲۸۵۳۵۴۲۰۲	۱۳۷۴۵۱۹	۰/۳۶
املاک و مستغلات	۱۵۵۴۸۳۷۸۶۶	۱۵۵۲۴۲۰۹	۰/۷۵
فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی	۱۰۱۸۶۷۲۳۹	۶۸۳۵۱۹	۰/۵۱
فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی	۵۰۵۴۵۹۳۶	۴۰۶۲۶۰	۰/۶۰
اداره امور عمومی و خدمات شهری	۶۰۶۶۸۹۰۱۷	۱۳۲۳۲۵۰۶	۱/۶۴
آموزش	۴۲۹۱۳۶۳۸۸	۱۴۲۱۳۲۱۱	۲/۴۹
فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی	۴۱۴۱۲۱۱۸۸	۹۹۰۹۵۴۲	۱/۸۰
سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی	۱۲۸۱۴۲۷۷۰	۱۰۷۶۷۱۳	۰/۶۳
جمع	۱۲۲۶۶۰۲۰۷۳۳	۱۶۲۴۵۹۴۳۷	۱/۰۰
محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)	۱۲۳۱۴۲۲۰۲۸۴	۱۶۲۹۷۶۲۶۶	۱/۰۰
محصول ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت بازار)	۱۰۶۸۵۰۶۱۳۶۱	۱۶۲۹۷۶۲۶۶	۱/۱۵

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص مزیت نسبی فعالیت‌های عمده اقتصادی استان در سال ۱۴۰۰ در جدول ۲ بیان شده است. بخش آموزش با ۲/۴۹ درصد بالاترین مزیت نسبی را بین بخش‌های عمده اقتصادی دارد و جایگاه دوم از لحاظ مزیت نسبی مربوط به بخش کشاورزی، شکار و جنگلداری، و ماهیگیری با ۲/۳۳ درصد است. بررسی زیربخش‌های اقتصادی نشان می‌دهد رشته فعالیت ماهیگیری با ۱۶/۰۴ درصد مزیت نسبی چشمگیری را در استان به خود اختصاص داده است. بخش‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی، اداره امور عمومی و خدمات شهری، و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای به ترتیب با ۱/۸، ۱/۶۴ و ۱/۶۳ در رده‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۲. مزیت‌های نسبی استان سیستان و بلوچستان در بخش‌های مختلف سال ۱۴۰۰

بخش‌های عمده اقتصادی	ارزش افزوده کل کشور	ارزش افزوده استان	شاخص مزیت نسبی
کشاورزی، شکار و جنگلداری، و ماهیگیری	۱۱۷۸۶۳۹۵۱۹	۳۶۴۷۳۸۳۹	۲/۳۳
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۱۴۰۰۵۸۹۱۱۲	۳۰۳۵۷۲۳۹	۱/۶۳
اداره امور عمومی و خدمات شهری	۶۰۶۶۸۹۰۱۷	۱۳۲۳۲۵۰۶	۱/۶۴
آموزش	۴۲۹۱۳۶۳۸۸	۱۴۲۱۳۲۱۱	۲/۴۹
فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی	۴۱۴۱۲۱۱۸۸	۹۹۰۹۵۴۲	۱/۸۰

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

جدول ۳. عدم مزیت‌های نسبی استان سیستان و بلوچستان در بخش‌های مختلف سال ۱۴۰۰

بخش‌های عمده اقتصادی	ارزش افزوده کل کشور	ارزش افزوده استان	شاخص مزیت نسبی
استخراج معدن	۱۴۲۰۹۵۵۷۰۴	۴۸۴۳۳۵	۰/۰۳
صنعت	۲۲۰۰۸۰۷۲۷۱	۱۶۳۴۴۲۷۴	۰/۵۶
تأمین برق، گاز، بخار و تهویه	۵۲۳۷۵۰۷۵۰	۲۱۹۶۸۶۵	۰/۳۲
آبرسانی، مدیریت پس‌ماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه	۴۱۲۹۴۴۶۰	۵۲۸۰۳۰	۰/۹۶
ساختمان	۵۵۹۹۴۲۴۶۷	۵۸۸۹۲۸۲	۰/۷۹
حمل‌ونقل و انبارداری و پست	۹۳۲۰۰۵۱۱۹	۱۱۱۳۲۲۰۸	۰/۹۰
فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا	۱۷۹۵۱۰۸۷۵	۱۰۲۶۷۷۰	۰/۴۳
اطلاعات و ارتباطات	۲۵۷۸۳۰۸۵۰	۱۶۰۶۱۱۶	۰/۴۷
فعالیت‌های مالی و بیمه	۲۸۵۳۵۴۲۰۲	۱۳۷۴۵۱۹	۰/۳۶
املاک و مستغلات	۱۵۵۴۸۳۷۸۶۶	۱۵۵۲۴۲۰۹	۰/۷۵
فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی	۱۰۱۸۶۷۲۳۹	۶۸۳۵۱۹	۰/۵۱
فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی	۵۰۵۴۵۹۳۶	۴۰۶۲۶۰	۰/۶۰
سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی	۱۲۸۱۴۲۷۷۰	۱۰۷۶۷۱۳	۰/۶۳

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

در جدول ۳، بخش استخراج معدن با ۰/۰۳ درصد بیان می‌کند که این بخش در استان فاقد مزیت نسبی است. پس از آن، بخش‌های تأمین برق، گاز، بخار و تهویه با ۰/۳۲ درصد، فعالیت‌های مالی و بیمه با ۰/۳۶ درصد، فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا با ۰/۴۳ درصد، اطلاعات و ارتباطات با ۰/۴۷ درصد، فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی با ۰/۵۱ درصد، بخش صنعت با ۰/۵۶ درصد، فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی با ۰/۶۰ درصد، سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی با ۰/۶۳ درصد، فعالیت املاک و مستغلات با ۰/۷۵ درصد، بخش ساختمان با ۰/۷۹ درصد، فعالیت حمل‌ونقل و انبارداری و پست با ۰/۹۰ درصد و در آخر نیز آبرسانی، مدیریت

پس‌ماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه با ۰/۹۶ درصد فاقد مزیت نسبی در سال ۱۴۰۰ هستند.

۶. نتیجه

رشد و توسعه پایدار از مهم‌ترین اهداف سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای است. اهمیت این موضوع را می‌توان در سیاست‌های کلی نظام، از جمله سند آمایش ملی سرزمین، مشاهده کرد. با افزایش درآمد سرانه مناطق، می‌توان سطح زندگی و معیشت مردم آن مناطق را ارتقا داد. تحقق یافتن این موضوع، مستلزم درک درست مزیت‌ها، تنگناها و ساختار اقتصادی مناطق است. برای شناخت توانمندی‌ها و استعدادهای بخش‌های مختلف اقتصادی در راستای اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مزیت نسبی اهمیت بسیاری دارد. مزیت نسبی بیانگر تولید کالا با هزینه کمتر است. بنابراین در این پژوهش، با استفاده از شاخص مزیت نسبی بالاسا، مزیت نسبی فعالیت‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان بررسی شد. شناسایی و تجزیه و تحلیل وضعیت مزیت‌های نسبی استان در واقع برآیندی از توانایی‌ها و محدودیت‌های استان را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بخش آموزش با ۲/۴۹ درصد، بالاترین مزیت نسبی را بین بخش‌های عمده اقتصادی دارد و جایگاه دوم از لحاظ مزیت نسبی مربوط به بخش کشاورزی، شکار و جنگلداری، و ماهیگیری با ۲/۳۳ درصد است. بخش استخراج معدن با ۰/۰۳ درصد گویای این است که بخش مذکور در استان فاقد مزیت نسبی است. بنابراین توصیه می‌شود برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران ملی و منطقه‌ای با شناخت بخش‌های پایه‌ای و فعالیت‌هایی که از مزیت نسبی در استان سیستان و بلوچستان برخوردارند، سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که سیاست‌های حمایتی و تشویقی در جهت نیل به رشد و توسعه اقتصادی در فعالیت‌های پایه‌ای و اصلی صورت گیرد و اولویت سرمایه‌گذاری استان به سمت این بخش‌ها هدایت شود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Aghamohammadi, S., Haji, G., Ghafari, H., & Ghafari Ashtiani, P. (2021). Measuring the Relative Advantage of Economic Activities in the Provinces of Iran: Location Quotient Approach. *Regional Planning, 10*(40), 35-52. (in Persian)
- Alimanesh, N., Masoudnia, M., & Baufa, Sh. (2015). Survey of the Comparative Advantage of Major Economic Activities in Qazvin Province. *Journal of Statistics, 19*, 16-23. (in Persian)
- Ballasa, B. (1965). Trade Liberalization and Revealed Comparative Advantage. *The Manchester School, 33*(2), 99-123.
- Darvishi, B., & Asgari, H. (2006). The Analysis of Comparative Advantage in some of Newly Industrialized Countries of South-East of Asia and Comparing it with Iran. *Economics Research, 6*(23), 263-297. (in Persian)
- Emerick, K. (2018). Agricultural Productivity and the Sectoral Reallocation of Labor in Rural India. *Journal of Development Economics, 135*, 488-503. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2018.08.013>.
- Ghasemlou, Kh., Zulqader, H., & Kazrooni, A. (2019). The Comparative Advantage and Stability of Performance in Export Industrial goods From Provinces of Iran. *Regional Planning, 9*(34), 1-14. (in Persian)
- Haberler, G. (1964). An Assessment of the Current Relevance of the Theory of Comparative Advantage to Agricultural Production and Trade. *International Journal of Agrarian Affairs, 4*(3), 130-149.
- Hassanvand, S., & Shadab Far, E. (2020). Investigating the Relative Advantage of Economic Sectors (with Emphasis on Lorestan Province). *Economic Magazine (Bimonthly Review of Economic Issues and Policies), 20*(3 & 4), 5-39. (in Persian)
- Heckscher, E. F., & Ohlin, B. G. (1991). *Heckscher-Ohlin Trade Theory*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Iran Statistics Center. (2021). Statistics and Information Related to the Regional Accounts of the Country's Provinces and Information Related to the Statistical Yearbook. (in Persian)
- Jafari Samimi, A., & Naqvi, S. (2008). Investigating the Relative Advantage of Added Value of Economic Sectors in Khorasan Region based on the Performance of the Third Development Plan. *Knowledge and Development Quarterly, 15*(23), 1-25. (in Persian)
- Jafari Samimi, A., Zaribaf, M., & Amirpour Ashuri, P. (2013). Investigating the Relationship between the Relative Advantage of the Added Value of Tourism Sector Activities (Hotels

- and Restaurants) and the Economic Growth of Mazandaran Province and its Comparison with Other Provinces of the Country. *Researcher (Management)*, 25(9), 11-20. (in Persian)
- Kayani, A., & Abdollahi, S. (2015). Report on the Comparative-Analytical Review of the Components of Provincial Accounts with an Emphasis on Ardabil Province. General Department of Economic Affairs and Finance of Ardabil Province. (in Persian)
- Lee, J. W., & McKibbin, W. J. (2018). Service Sector Productivity and Economic Growth in Asia. *Economic Modelling*, 74, 247-263. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2018.05.018>.
- Leontief, W. W. (1936). Quantitative Input and Output Relations in the Economic Systems of the United States. *The Review of Economic Statistics*, 18(3), 105-125. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/1927837>.
- Liu, A., & Wu, D. C. (2019). Tourism Productivity and Economic Growth. *Annals of Tourism Research*, 76, 253-265. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2019.04.005>.
- Management and Planning Organization of Sistan and Baluchistan Province. (2021). *Regional Accounts of Sistan and Baluchistan Province*. (in Persian)
- Nafisi Moghadam, M., & Khodavardizadeh, S. (2015). Identification of Comparative Advantages in the Economic Sectors of the Western Provinces of the Country using the Spatial Coefficient Index. *9th Congress of Pioneers of Progress*. (in Persian)
- Nazman, H., & Mohdmanesh, M. S. (2018). Investigating the Relationship between Intra-Industry Trade and Comparative Advantage in Iran's Economy. *Economic-Commercial Quarterly*, 29(15), 1-24. (in Persian)
- Ranjbar Fallah, M. R., & Ranjbar Paighan, M. (2018). Identifying the Relative Advantages of Qazvin Province in the Industry Sector Using the LQ Index. *Work and Society Monthly*, 141, 54-66. (in Persian)
- Ricardo, D. (1955). *The Works and Correspondence of David Ricardo, Biographical Miscellany*. Cambridge University Press.
- Sadeghi Shahdani, M., & Ghaffary Fard, M. (2009). A Review on Relative Advantage and Structure of Regional Growth Domestic Production in Provinces of Iran. *Journal of Economic Research and Policies*, 17(50), 115-136. Retrieved from <http://qjerp.ir/article-1-261-fa.html>. (in Persian)
- Samuelson, P. A. (1966). *The collected scientific papers of Paul A. Samuelson*. MIT Press.
- Smith, A. (1937). *The Wealth of Nations [1776]*. na.